



۲۰۲۲/۰۱/۰۱



جلیل غنی هروی

توضیحی بر استفاده از نام مستعار در جهان

درین روزها بحث‌های در رابطه با استفاده از نام مستعار و یا هم مستعار نویسی در رسانه‌های گروهی بیرون از کشور نشر گردیده و نظریات و تعریف‌های متفاوتی هم از آن‌ها چگونگی و یا هم دلایل مستعار نویسی از طرف عده‌ای از نویسندگان ارائه گردیده.

یکی از بحث‌های که در اثر جدید به نام «ژورنالیزم دوست یا دشمن مردم» که اخیراً در امریکا و افغانستان چاپ گردید و به دسترس علاقمندان قرار گرفته، به این موضوع اختصاص یافته است که خواستم به علاقه‌مندان بحث ارائه دارم.

استفاده از نام مستعار زمینه را برای یک نویسنده و ژورنالیست در جامعه و شرایطی فراهم می‌سازد که نویسنده، نظر به دلایل امنیتی، اختناق فرهنگی و یا محدودیت‌های عقیدتی و سیاسی نتواند حقایق و نارسایی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و سایر کمبودها را به اطلاع مردم برساند و راه‌های بیرون رفتن از چنین نارسایی‌ها و کمبودها را پیشنهاد کند. در این میان تعدادی هم هستند که با استفاده از نام‌های مستعار، به‌خصوص در جامعه‌هایی که قانون حاکم نیست و خودسری‌ها بیداد می‌کند، به عقده‌گشایی، ناسزاگویی، تهمت، افتراء، نشر مطالب مستهجن و مسایلی از این قبیل دست می‌زنند که نوعی ترور شخصیت و تجاوز بر حریم اشخاص، خانواده‌ها و وقار و حیثیت اشخاص بوده می‌تواند و مغایر تمام آموزه‌ها و اصول و موازین ژورنالیزم و اخلاق نویسندگی در هر زبان، فرهنگ و اصول نگارش است.

پیشرفت تکنولوژی زمینه‌ی دسترسی همگانی به ارائه‌ی نظریات و خبرها و سایر معلومات مفید را در دنیای مجازی به اسرع وقت میسر ساخته، ولی شوربختانه هستند کسان و نهادهایی که بدون در نظر داشت ارزش‌ها و اخلاق نویسندگی و عدم رعایت فرهنگ استفاده از این تکنولوژی در دنیای مجازی، و بدون رعایت اصول و اساسات آزادی بیان و یا هم محدودیت‌های آن، هرچه خواستند می‌نویسند. باتأسف که متصدیان بعضی از این وبسایت‌ها که از آزادی بیان و فکر فقط نام آن را یاد گرفته‌اند نه مفاهیم حقوقی و محتوایی آن را، به عنوان این‌که «هرکس حق دارد نظری بدهد»، هر آن‌چه نگاشته می‌شود و به دست می‌آورند، نشر می‌کنند.

استفاده از نام‌های مستعار مثل هر پدیده‌ی دیگر جهان بشریت و مرتبط با انسان، پیشینه و دلایلی دارد که چنین دلایلی یا به مرور زمان منتفی می‌شود و ضرورت استفاده از آن رفع می‌گردد، و یا هم برای برآورده ساختن مقاصد و منافع شخصی ادامه پیدا می‌کند. اما یک نویسنده، که بیشتر در این نگارش مورد توجه است، انتخاب سهل و آسانی برای بیان نظریات و فرآورده‌های ذهنی و تخیلی‌اش دارد که پیوند مستقیم با استفاده از هویت اصلی

و یا استعاری او می‌داشته باشد. هر یک از این راه‌ها دارای امتیازات و معایبی می‌باشد که به نحوی گویای تفکر و موقف‌گیری‌های نویسنده بوده و بر معرفی و شناخت او در جامعه تأثیرگذار است.

در افغانستان از همان آوانی که نخستین نشریه‌ی موقوته در سال ۱۲۹۰ه.ق/ ۱۸۷۳م. به‌نام «شمس‌النهار» در دوره‌ی زمامداری امیر شیرعلی‌خان به‌نشر رسید تا کنون، در نشرات داخلی، و چه در نشرات بیرون‌مرزی بعد از پراگنده‌شدن شهروندان افغانستان به نقاط مختلف جهان، مثل هر کشور دیگر پیش‌رفته یا توسعه نیافته، استفاده از نام‌های مستعار معمول بوده است. برای این‌که اندکی به پیشینه‌ی استفاده از نام‌های مستعار در افغانستان آشنا شویم و هم دلیل استفاده از این نام‌ها را به‌حیث نمونه ارائه داریم، از شخصیت‌های برازنده که در بخش‌های ادب و فرهنگ و سیاست می‌توان یاد کرد و نام‌های‌شان ثبت تاریخ گردیده و از جمله‌ی افتخارات افغانستان در عرصه‌های یادشده هم هستند، می‌توان از عبدالهادی داوی، عبدالرحمن پژواک و محمد هاشم میوندوال نام برد. مرحوم داوی در آغاز اشعار و نوشته‌هایش را به نام «پرشان» و محمد هاشم میوندوال به‌نام «پردیس» و مرحوم پژواک به‌نام‌های «وفا» و «ارمانجن» نشر می‌کردند.

«اما در زمان صدارت محمدهاشم‌خان که توسط صلاح‌الدین سلجوقی رئیس مستقل مطبوعات آن زمان به او معرفی شدند و او از اشعار و نوشته‌های‌شان که در روزنامه‌های انیس و یا اصلاح آن زمان نشر می‌شد تمجید نمود، توصیه کرد که عبدالرحمن بجای «ارمانجن» تخلص «پژواک» و محمدهاشم که از منطقه‌ی میوند بود به عوض «پردیس» «میوندوال» تخلص نماید و تا اخیر عمر به همین نام‌ها زندگی کردند و نوشتند و شعر گفتند و از نام‌داران سیاست و ادب و فرهنگ شدند»^۱.

برای این‌که بیش‌تر به چگونگی استفاده از نام مستعار و روش استفاده از آن توضیحی داده شود نظری به پیشینه‌ی کاربرد نام مستعار در جهان می‌اندازیم.

استفاده از نام‌های مستعار در قرن هجده در اروپا بسیار معمول بود و این زمانی بود که ژورنالیست‌ها و نویسندگان می‌خواستند در مورد موضوعات جنجال‌برانگیز و یا حتی مقالات غیرقانونی و هم پیام‌هایی به گردانندگان روزنامه‌ها بنویسند.

از جمله‌ی شخصیت‌های معروف سیاسی و نویسندگان برازنده‌ی امریکایی که از نام‌های مستعار استفاده کردند فقط به‌ذکر دو نام اکتفا می‌کنیم. نخست بنجامین فرانکلین (Benjamin Franklin) یکی از بنیان‌گذاران ایالات متحده‌ی امریکا و سیاستمداران بنام این کشور که در نوشتن اعلامیه‌ی استقلال امریکا و قانون اساسی این کشور نقش برازنده و فعالی داشت، و ثانیاً ماری آن ایوانس (Mary Ann Evans) که در نوشته‌هایش از نام مستعار جارج ایلیوت (George Eliot) استفاده می‌کرد.

بنجامین فرانکلین (۱۷ جنوری ۱۷۰۶ - ۱۷ اپریل ۱۷۹۰) فرزند کسی بود که دکان شمع‌سازی و صابون‌سازی داشت و بنجامین برای این‌که به پدرش کمک مالی کرده بتواند مکتب را از صنف دهم ترک گفت و به پدرش در این دکان کمک می‌کرد. او را که هنوز دوازده سال عمر داشت در چاپخانه‌ی برادرش «جمز» (Jams) به‌شاگردی نشانند و در همان‌جا بود که بنجامین با روزنامه‌ها آشنایی پیدا کرد و شوق نویسندگی به سرش زد و چون استعداد

۱- آهنگ، کاظم، سیر ژورنالیزم در افغانستان ص- ۸۲

داشت به نوشتن مقالات آغاز کرد. ولی وقتی برادرش «جمز» از نشر مقالات او ابا ورزید فرانکلین که در این زمان شانزده سال داشت مقالاتش را ناچار با نام زنانه‌ی خانم سایلنس دوگود (Mrs. Silence Dogood) به چاپخانه‌ی برادرش می‌فرستاد.

نویسنده‌ی دیگری که برای نشر مقالاتش نام متفاوت و مردانه‌ی برای کتمان هویت اصلی‌اش انتخاب کرد، داستان‌نویس، ژورنالیست و مترجم انگلیسی بانو «ماری آن ایوانس» (Mary Ann Evans) بود که از ۲۲ نوامبر ۱۸۱۹ تا ۲۲ دسامبر ۱۸۸۰ می‌زیست و چون در جامعه‌ی مردسالار آن زمان مقالات او به‌حیث یک‌زن، خواننده‌ی کمتر داشت و مورد توجه قرار نمی‌گرفت، نام مردانه‌ی جارج ایلیوت (George Eliot) را انتخاب و با همین‌نام آثارش را تا اخیر عمر چاپ کرد.

در بیشتر کشورهای بنابه‌دلایل خاص اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی استفاده از نام مستعار برای نشر دیدگاه‌ها و فرآورده‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی معمول بوده است. مخصوصاً این امر در کشورهای دارای نظام‌های استبدادی بیش‌تر رایج است؛ زیرا اختناق فرهنگی و سیاسی، و تابوهای اجتماعی (موضوعاتی که بحث بر آن‌ها ممنوع تلقی می‌گردد) حاکم بر جامعه، جرأت نویسندگان را برای اظهار حقایق و بیان واقعیت‌ها از آنان می‌گیرد. بیم نویسندگان از عدم مصونیت جان و مال خود، خانواده و اقاربشان، آنان را وادار می‌کند تا افکار و اندیشه‌هایشان را در قالب نام‌های مستعار عرضه کنند؛ ولی در جامعه‌های دموکراتیک و مردم‌سالار به‌جز افشای اسرار در پیوند با منافع ملی، مسایل عادی و نظرهای انتقادی و یا تحلیل‌های عالمانه و نقدگونه، آزاد است و ضرورت استفاده از نام مستعار رفع می‌گردد. البته این یگانه دلیل استفاده از نام مستعار نیست و دلایل دیگری هم به آن افزود شده می‌تواند.

تحقیقات و بررسی‌هایی که در جوامع مختلف مخصوصاً در جامعه‌های دارای نظام مردم‌سالار، با در نظر داشت تضمین اصل آزادی بیان صورت گرفته، دلایل ذیل هم برای استفاده از نام مستعار مطرح بوده می‌تواند:

عمده‌ترین مورد کاربرد نام مستعار، کتمان هویت از سوی نویسنده است. این امر را حتی همین امروز در جوامع دموکراتیک می‌توان دید. برخی از نویسندگان برای احتراز از اهانت، توهین و ترور شخصیت از جانب مخالفان موضوعی که به‌زعم چنین اشخاصی مغایر باورهای مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی آن‌ها است، از نام مستعار استفاده می‌کنند. چنین روشی در میان شهروندان افغانستان ساکن در بیرون از این جغرافیا و حتی آنانی‌که در جهان غرب و دنیای آزاد زندگی می‌کنند، هم کم و بیش دیده می‌شود و در وبسایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی مثل فیسبوک و توئیتر نمونه‌هایی از آن به‌چشم می‌آید.

یکی دیگر از موارد استفاده از نام مستعار این است که آثار قبلی نویسنده که با نام اصلی او عرضه شده، به‌هر دلیلی، برای مخاطبانش جذابیت نداشته است؛ از این رو اثر جدیدش را با نام دیگری عرضه می‌کند؛ تا پیام و نظرش را به‌گونه‌ی دیگر به مخاطبان خود برساند و یا هم با در نظر داشت نظریات و نوشته‌های قبلی مورد شماتت و اهانت قرار نگیرد.

گاهی نام مستعار می‌تواند برای نویسنده پیامدی منفی به بار آورد، و آن زمانی است که مخاطبان او با همان ذهنیتی که از قبل نسبت به نویسنده یا اثر دارند، از لابه‌لای اثر جدید یا ماحول آن کشف کنند که نویسنده‌ی اصلی، کسی دیگر از آن است که نامش در پشت جلد مثلاً کتاب نوشته شده است. از طرفی به‌کاربردن نام‌های نامأنوس و بدون شناخت و یا نام اول نویسنده، یا به‌کاربردن نام به صورت مخفف و مجهول، باعث کاهش تأثیر مقاله و یا اثر

می‌گردد. زیرا اگر آفرینش‌گر اثر بدان‌چه خلق کرده، باور و اعتماد، و به‌درستی ادعا و مطلبش ایمان، و به‌صداقت گفتارش اعتقاد داشته باشد؛ و در عین زمان خطر جانی و مالی متوجه او و اقاربش نباشد، یا تحت تعقیب و پی‌گرد نظام استبدادی قرار نگیرد، و یا در یک جامعه‌ی مختلق سنتی و عقب‌مانده به‌سر نبرد، دلیلی ندارد که از نام مستعار استفاده کند. یکی از دلایل همیشگی که در ذهن هر خواننده‌ی خطور می‌کند این است که نویسنده با استفاده از نام مستعار می‌خواهد هویت خود را پنهان کند و از آن‌ها سر دارد که ادعا علیه اشخاص و یا اعتراضاتی که بر یک اثر و نوشته‌ی دیگری دارد، مدلل و مستند نیست و این مسأله بالآخره مورد تدقیق و بررسی قرار می‌گیرد و بر شهرت او صدمه می‌رسد.

جرات اخلاقی و برخورد صادقانه با پدیده‌ها و مسایل، از خصایل نیک هر ژورنالیست، نویسنده، هنرمند و هر آفرینش‌گر اثر ادبی، فرهنگی، سیاسی و علمی است. از این‌رو آفرینندگان چنین آثاری در یک فضای باز و دموکراتیک و قانون‌مند می‌توانند از آثارشان شجاعانه و با شهامت دفاع کنند.

در سال‌های ۱۹۸۰ که مقاومت مردم افغانستان در مقابل تجاوز اتحاد شوروی بر افغانستان به اوج خود قرار داشت و بیش از پنج‌میلیون شهروند افغانستان، آواره‌ی کشورهای دیگر به ویژه پاکستان و ایران گردیدند، علت عمده‌ی آن، اعمال دیکتاتورهای استالینستی و ملامهای تنگ نظر بود که عرصه‌ی نفس‌کشیدن را برای تعداد زیادی از قشر تحصیل‌کرده و ملی‌گرای آزادمنش و دانشمندان کشور، تنگ ساخته بودند. همان بود که مردم از روی ناگزیری راه هجرت را پیش گرفتند. یکی از این شخصیت‌های برانزده و دانشمند، سید بهاء‌الدین مجروح، استاد دانشگاه کابل بود که در ۱۱ فبروری ۱۹۸۸ به ضرب گلوله‌ی آدم‌کشان تنگ‌نظر در پیشاور در دروازه‌ی منزلش ترور شد؛ چون او بود که با آنان که مقاومت دلیرانه‌ی مردم افغانستان را گروگان گرفته بودند، مخالفت می‌کرد و صدای اکثریت خاموش ملت افغانستان را با نشر مجله و روزنامه و نظر‌پرسی‌های مردم، بلند کرده بود.

برخی از نویسندگان کشور ما بنا بر دلایلی که پیش‌تر اشاره شد، نوشته‌ها و آثارشان را با نام‌های مستعار به‌چاپ می‌رساندند؛ از جمله یکی استاد عبدالله سمندر غوریانی، دانشمند مشهور کشور ما بیود که چند روز قبل در ایلات متحده یامریکا جهانی فانی را وداع گفت. او در روزگاری که در پیشاور به‌سر می‌برد، اثر فلسفی‌اش را با عنوان «ماده و معنی» به‌نام مستعار «ابوالوفای افغانی» نشر کرد؛ زیرا محتوای این اثر برای پیشاورنشینان قابل درک و پذیرش نبود. این است نمونه‌هایی از آن‌چه اختناق و استبداد حاکم بر جامعه تحمیل می‌کند و استفاده از نام مستعار را نه تنها مجاز، بلکه یک امر حتمی می‌سازد. نه این‌که آفرینش‌گر در یکی از کشورهای اروپایی و یا امریکا با استفاده از همه نعمات زندگی مادی و یک فضای آرام و دموکراتیک و مصون از هر نوع تهدید، و تعجیز، باز هم در پشت پرده‌ی ابهام فرو رود و برای پنهان‌کردن ضعف یا فرار از جواب‌گویی، چهره در نقاب استعاره‌ی کشد.

درنگی بر محیط نشراتی و وسایط ارتباط عامه در جامعه‌های بسته و غیردموکراتیک نشان می‌دهد که در چنین جوامع قدرت‌مندان، و به‌خصوص آن‌عده رهبرانی که دیوانه‌ی قدرت‌طلبی هستند، از هر وسیله و امکانی برای تداوم حاکمیت‌شان کار می‌گیرند. این قدرت‌مندان مستبد و تنگ‌نظران و دیکتاتورها، شامل تمام انواع آن، همیشه سعی دارند حقایق را پنهان کنند و مردم را در تاریکی نگه‌دارند. ژورنالیسم و همه انواع رسانه‌های رسالت‌مند نوشتاری، شنیداری، و تصویری و حالا دیجیتالی، در طول تاریخ این مسلک و از همان آغاز فعالیت‌های رسانه‌های همگانی در هر نقطه‌ی از جهان، سعی داشته‌اند، نه تنها حقایق را که در جامعه رخ می‌دهد، نشر و مردم را آگاه کنند؛ بلکه نقش کلیدی در سمت‌دهی افکار عامه و موفق‌گیری جامعه در برابر استبدادهای سیاسی، قومی، نژادی

و مذهبی و نظامی ایفا کرده‌اند. حقایق، نه شایعات و اطلاعات بی‌بنیاد و غیرمستند، بزرگترین حربه‌ی است که یک جامعه‌ی آگاه و مترقی برای تغییر مثبت، در دست دارد و این حقایق و حربه را فقط ژورنالیسم و نشریات است که به دسترس مردم قرار می‌دهد. دیکتاتورها برای جلوگیری از نشر حقایق و افشاگری رسوایی‌ها و نارسایی‌ها، تبعیض‌ها، تعصبات، اختلاس‌ها و سوء استفاده‌های قدرت‌مندان خودکامه و انواع فساد در دستگاه حاکم، دست به هر اقدامی برای تضعیف و نابودی ژورنالیست‌ها و مخالفان خود می‌زنند.

زندانی کردن‌ها و کشتار تعداد زیادی از مخالفان حکومت حزب دموکراتیک خلق شامل مردمان عادی، حتی از یک کسبه‌کار و دوره‌گرد عادی، تا متعلم و محصل و معلم و استاد دانشگاه تا مأمور دولت و ژورنالیست خلاصه هر کسی که جزئی‌ترین انتقادی از اعمال دولت و یا یکی از حزبی‌ها و مأمورین دولت می‌نمود، به نام مخالف، نیست و نابود می‌شد و یا هم بدون محاکمه در زندان به‌نام ضد انقلاب می‌پوسید.

قتل‌های زنجیره‌ی و هدفمند به‌خصوص در سال‌های اخیر در افغانستان توسط قدرت‌طلبان و مفسدان جامعه، مخالفان مسلح به‌خصوص طالبان و داعش، نمونه‌ی بارزی از کردار بی‌اصول خیانت‌پیشگان و دشمنان مردم افغانستان است، که از افشاگری‌ها و گفتن حقایق هراس دارند و با کشتار خدمت‌گاران واقعی جامعه و پیشروان کاروان مدنیت، مذبحخانه تلاش دارند صدای حقیقت‌گویان را خاموش سازند.

این دیکتاتورها هرگونه انتقاد از خویش را انتقاد از یک ایدیالوژی که به آن تعهد دارند، تلقی می‌کنند. حالا این‌که آیا آن‌ها واقعاً به چنین ایدیالوژی و یا تفکری معتقد هستند و آن را مقدس می‌دانند، سؤالی است که اعمال آن‌ها برعکس این ادعا را به اثبات می‌رساند.

از آن‌جا که همه‌ی این دیکتاتورها خود را مافوق قانون تصور می‌کنند، تمام قدرت و صلاحیت را به‌خود منحصر می‌سازند؛ مانند: امپراتور روم که می‌گفت: «من خود قانون هستم» این دیکتاتورها هم فکر می‌کنند که بالاتر از قانون و خودشان قانون هستند. همان است، زمانی‌که ژورنالیست، چنین تصویری را مورد سؤال قرار می‌دهد، دست به نابودی او می‌زنند و ژورنالیسم را دشمن مردم می‌خوانند، در حالی‌که ژورنالیست از نگاه اصول و موازین ژورنالیسم، با هیچ‌کسی دشمنی ندارد؛ ولی مخالف دروغ‌گویی، تخلف از قانون، ظلم، انواع تعصب و نابسامانی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و انواع فساد اجتماعی است و به‌حیث «صدای آنانی‌که صدایی ندارند» رسالت خود را ایفا می‌کند.

در تحلیل نهایی، ژورنالیسم در جوامع آزاد و دموکراتیک «دوست مردم» و در جوامع بسته و غیردموکراتیک از جانب قدرت‌مندان انحصارطلب و تک‌روانی که با آن‌ها از در مخالفت پیش می‌آید و نابسامانی‌ها و فسادپیشگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را رسوا می‌سازد، به‌نام «دشمن مردم» نامیده می‌شود.

در افغانستان نیز در چنین ماحول و فضای سیاسی و فرهنگی، ژورنالیسم به‌حیث دشمن مردم تلقی می‌گردد. حالا فرقی نمی‌کند که این دیکتاتوری‌ها و خودکامگی‌ها خانوادگی بوده یا قومی و مذهبی و یا هم نظامی، در هر حالت، چنین حکومت‌ها همیشه سعی داشته‌اند از ژورنالیسم و نشریات معدودی که اجازه‌ی نشر یافته بودند، و تقریباً همه بلندگو و مداح دولت حاکم در چنان شرایط و مبلغ برنامه‌های دولتی و حکام بوده‌اند و همیشه از ژورنالیسم فقط استفاده‌ی ابزاری کرده‌اند.

با وجود این، نمی‌توان ادعا کرد که در سایر جوامع از ژورنالیسم استفاده‌ی ابزاری نمی‌شود؛ چنان‌چه در جوامع باز و دموکراتیک نیز گاهی سیاست‌گران و منتقدان سیاسی و اقتصادی هم از ژورنالیسم استفاده‌ی ابزاری می‌کنند؛ ولی

با آزادی‌های تضمین‌شده‌ی دموکراتیک حاکم بر این جوامع، زمینه‌ی نشر هرگونه نارسایی و کاستی را در هر سطحی چه سیاست‌گران از مراتب پایینی و چه بالایی تا رئیس‌جمهور این جوامع، نشر و تصویر روشنی از همه‌زوایای این جوامع را به مخاطبان‌شان ارائه می‌دارند.

پایان



برای مطالب دیگر جلیل غنی هروی روی عکس کلیک کنید

